

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



د مولانا سعید افغانی د سولی او تفاهم، نشراتی ارگان

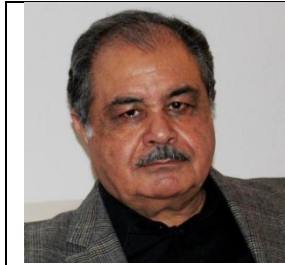
www.said-afghani.org

آزاده، ټولنیزه، علمی، فرهنگي و نشراتی ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعید افغانی: آزاده، ټولنیزه، علمی، فرهنگي او نشراتی ارگان ته بڼه راغلاست!



داکتر اسدالله «حبيب»

تاریخ نشر: 10 اکتوبر 2015 م

زبان دری از گفتار تا نوشتار

بخش « ششم »

اول، اولاً، اولتر:

واژه اول که برای شمارش بکار می رود، عربی است که یکم معنا دارد. در زبان عربی می گویند: اول، ثانی و ثالث. در زبان دری معادل یا مترادف آن، یکم، دوم و سوم داریم. نخست نیز در نگارش، به جای اول به کار می رود. اول در عربی صفت تفضیلی است و آوردن پسوند تر با آن، که آن هم پساوند صفت تفضیلی یا صفت برتر در زبان دریست، نا درست می باشد.

پس می توان نوشت: یکم، دوم و سوم یا اول، دوم، سوم یا نخست، دوم و سوم. در این روزها «در نخست» هم رواج یافته است. پیش از واژه نخست «در» نباید نوشت. تنوین که دوزبر، دوزیر و دوپیش را می گویند نیز از زبان عربی به زبان دری راه یافته است. کلمه هایی که بروزن افعال، باشند تنوین پذیر نیستند. پس نوشتن اولاً نه جایز است و نه ضرور. همان گونه، واژگان اکثراً و اقلأ و اغلباً نیز، اشتباهی در بعض نگارشها رونما شده اند. ناروا تر از آن تنوین دار کردن واژگان دخیل در زبان دری است، مانند: تیلفوناً و تلگرافاً

به جای آنها کاربرد اقل و حد اکثر و تیلفونی و تلگرافی درست است. مردم کم از کم را در جای حداقل بیشتر بکار می برند. جاگزینی آن در نوشته هم نوشته را آشناتر می نماید و هم از سرباریهای عربی آن می کاهد. حافظ به جای اغلب غالباً را بکار برده است:

من وانکار شراب این چه حکایت باشد

غالباً اینقدرم عقل و کفایت باشد

تنها برای آشنایی یادآور می شوم که در قدیم یکم، ددیگر و سدیگر را نیز بکار می بردند که اکنون از قلم افتاده اند.

گاهی واژه نخستین درنگارشهای ادبی به کار میرود که صفت موکد نامیده می شود و به همان قیاس اولین را نیز بکار می برند .

نخستین باده کاندرا جام کردند

ز چشم مست ساقی وام کردند

چون اساس خانه بی می افگند

اولین بنیاد را بر می کنند

درباره نوشتن تنوین در کتابهای دستور زبان عربی قاعده هایی را برمی شمارند ، که در بحثهای آینده سخن خواهیم گفت.

جنگیدن در مقابل ، بر علیه ، بر ضد ، یا با :

جنگیدن فعل لازمست که آن را فعل ناگذر هم می گویند ؛ در مقابل فعل متعدی که فعل گذرا نامیده می شود . فعل لازمی مفعول نمی خواهد ؛ مگر گاهی متمم فعل می خواهد . جنگیدن با کی یا جنگیدن با چی کسی . کی یا چی کسی متمم فعل است که معنای فعل را تمام می کند . پیش از متمم فعل یکی از کلمه های اضافت می آید .

کلمه های اضافت دو گونه اند . یکی کلمه های اضافت ساده ، مانند : به ، با ، بر ، در و ...

دیگری کلمه های اضافت مرکب ؛ مانند : در برابر ، در موازات ، همسو با و ...

درنگارشها دیده شده است که بیشتر واژه های اضافت که پیش از متمم فعل جنگ می آیند باریک بینانه گزینش نمی یابند . به این مثالها توجه کنید :

در مقابل :

« ... زیرا تنها نیروهای کانادا ، بریتانیا و هلند هستند (استند) که در مقابل طالبان در جنوب افغانستان می جنگند .» (از گوگل فارسی)

در این جمله سخن بر سر پیوستن فعل جنگیدن با متمم فعل است .

در این متن جنگیدن با پیشینه مرکب در مقابل با طالبان (متمم فعل) پیوسته است .

در مقابل:

« در این زمینه سخنگوی طالبان ملاعمر اعلام داشت که با وجود معاهده صلح دولت پاکستان با طالبان ، آنان با جنگ در مقابل نیروهای ایساف و امریکا در افغانستان ادامه می دهند .» از انترنت

بر علیه:

« این تعداد بشمول پلیس ملی از تجربه کافی در جنگ بر علیه طالبان و سیستم محاربوی خاص آنان برخوردار نیستند .» از انترنت

ضد:

« آقای رابرت گیت در دنباله انتقاد خود از نیروهای ناتو در افغانستان گفت که کشورهای

عضو باید نیروهایشان را برای یک جنگ (غیر منظم) ضد شوروی آماده کنند .» از انترنت

می توان از همه پیشینه ها یا کلمه های اضافت ، چه ساده چه مرکب ، مانند علیه ، بر علیه ، ضد ، بر ضد ، در مقابل ، مقابل ، مثال آورد ، که بایسته نیست .

سخن بر سر آن است که با فعل لازمی یا ناگذر «جنگیدن» ، از پیشین زمانه ها تا امروز تنها

واژه «با» بکار می رفت و می رود . امروز می گویند: به همراه کسی جنگ کردن یا کتی کسی جنگ کردن که همان معنای با را می دهد . در عبارت اضافی « جنگ فلان » نیز جنگ با فلان در نظر می باشد .

به شاه نامه می نگریم :

به مستی همی گیو را خواستی

همه جنگ با رستم آراستی

* *

**اگر با سیاوش کند شاه جنگ
چو دیبه شود روی گیتی به رنگ**

*

مثال عبارت اضافی :

**که ما را سراز جنگ افراسیاب
نیابد همی خورد و آرام و خواب**

*

**که گرمن به جنگ سیاوش سپاه
نرانم ، نیاید کسی کینه خواه**

در مقابل کسی جنگیدن چنان معنا می دهد که جنگ پیش روی کسی اجرا شود . علیه براو معنی دارد که در علیه السلام و علیه الرحمه داریم . بر علیه «بربراو» می شود ، که بی معناست . اگر علیه را ضد بپذیریم ، هم چنان معنی می دهد که کسی خلاف خواست کسی بجنگد و اما با که ، معلوم نیست .

عملیاتها و جواهرات :

عملیات جمع عملیه است . جمع بستن دوم باره آن باهای نشانه جمع زبان دری ، نادرست است . عملیات در زبان دری به دو معنا بکار می رود . عملیات ، هرگونه جراحی تن بیمار را می گویند و عملیات کنشهای جنگی را هم می گویند . این واژه در هر دو معنا چون کلمه مفرد بکار می رود . عملیات کردن فعل متعدی یا گذرای آن است . عملیات شدن فعل مجهول آن است .

« آنان می گویند این عملیاتها منجر به کشته شدن غیر نظامیان می شود.» از گوگل فارسی به جای این عملیاتها می توانیم این سلسله عملیات یا این گونه عملیات بنویسیم . جوهر عربی شده جوهر است که جوهر را هم گوهرها و هم گوهران جمع بسته اند . جوهر را عربها به شکل جواهر جمع ساخته اند . کاربرد جواهرات ، جمع ساختن جمع نادرست است و از آن پرهیز باید کرد . کلمه جواهر خود همان معنایی را که در نظر داریم افاده می کند .

هرازگاهی و هرازچندگاه:

این عبارت که از هر+از+گاهی ساخته شده است در بعض نوشته ها دیده می شود ، که از آن معنای گاهی و گاه گاهی یا گاه گاه را در نظر می دارند ، مانند :

« آن عده از مهاجران افغان (عده زاید است) که بستگانی در کشورهای اروپایی و امریکایی دارند ، هرازگاهی از سوی این افراد (آنان) پول و کمک اقتصادی دریافت می کنند .» (انترنت)
« هر » به معنای همه ، تمام وکل است که اسمهای عام می آید ، مانند : هرکس ، هرجای ، هرشهر ، هردرخت ، هردریا
« از » کلمه اضافه یا پیشینه است که با متمم فعل می آید ؛ مانند : از دستم رفت . از کوچه گذشت گاهی قید زمان است .

همنشینی این سه کلمه که چیز معنا داری نمی سازد ، خلاف دستور زبان است . به جای هرازگاهی که نادرست است ، گاهی ، گاه گاه ، گاه گاهی می باید بکار برد . تأکید می کنم که چون عبارت هرازگاهی بر هیچگونه منطق دستوری استوار نیست و نیز معادلهای شناخته آن را داریم ، از کاربردش خود داری باید کرد .

به گونه نمونه ، این جمله را می توان از مشکل « هرازچندگاه » رهایی بخشید .
« باین حال ، غیرنظامیان هرازچندگاه در اترحملات نیروهای خارجی نیز به قتل رسیده اند که به ایجاد نوعی بی اعتمادی میان این نیروها و مردم افغانستان انجامیده است .» (گوگل فارسی)

با این حال ؛ غیرنظامیان نیزگاه گاه در اثر حمله نیروهای خارجی به قتل رسیده اند ، که به ایجاد نوعی بی اعتمادی میان این نیروها و مردم افغانستان انجامیده است.

« را » ی آواره :

«را» نشانه مفعول صریح است . مفعول صریح آن است که در پاسخ چی را وکی را گفته می شود. صریح روشن معنا می دهد . مفعول صریح ، یعنی مفعولی که برای گوینده و شنونده معلوم است . به این جمله بنگرید : « اینها عموماً کسانی اند که برای حج به آن کشور رفته اند . بنابراین کودکان آنان هم اسناد قانونی اقامت در عربستان سعودی را ندارند .» (انترنت) اگر نداشتن اسناد قانونی را

بپرسیم ، چی گونه می پرسیم ؟

چی ندارند؟ یا چی را ندارند؟

معلوم است که چی ندارند ؟ پس واژه اسناد که قانونی صفت آن است ، مفعول غیر صریح است و بنا برآن نشانه را با آن نمی آید .

اگر این جمله را از واژه های بی کاره پاک کنیم ، چنین می شود :

اینها عموماً کسانی اند که برای حج به عربستان رفته و در آن جا مانده اند . بنابراین کودکانشان نیز اسناد قانونی اقامت ندارند . گونه نا روا تر کاربرد را دور کردن و آواره کردن آن از کنار مفعول صریح است .

به این دو مثال توجه کنید :

« استفاده از شبکه های اجتماعی اینترنتی عملاً ترکیب جدیدی از افرادی که خواهان تغییر هستند را

نشان می دهد . »

(از گوگل فارسی)

این جمله مرکب است از دو فقره :

افرادی خواهان تغییر هستند .

استفاده از شبکه های اجتماعی اینترنتی عملاً ترکیب جدید آن افراد را نشان می دهد .

فقره نخستین ، فقره پیرو است . و فقره دومین فقره پایه .

واژه افراد در فقره نخستین مفعول صریح است . مفعول صریح باید با نشانه را پیوسته نوشته شود . نمی توانیم که نشانه مفعول صریح را در هر جای جمله که خواستیم بنشانیم . در این جمله نوشته شدن نشانه را در پایان جمله پیرو خطای دستوریست .

صورت درست جمله چنین است : استفاده از شبکه های اجتماعی اینترنتی عملاً ترکیب جدیدی

از افرادی را که خواهان تغییر هستند نشان می دهد .

مثالی از کاربرد نادرست « را » در یک جمله ساده :

« ارتش از سه روز پیش اعزام نیروی کمکی به قندهار را آغاز کرده است . » اینترنت

در این جمله ساده « عبارت نیروی کمکی » مفعول صریح و قندهار که پس از « به » آمده متمم فعل

است . « را » که نشانه مفعول صریح است ، باید پس از نیروی کمکی بیاید ، نه پس از قندهار . پس

جمله به این صورت می شود :

ارتش از سه روز پیش ، اعزام نیروی کمکی را به قندهار آغاز کرده است .

ارتش چی را آغاز کرده است ؟

اعزام نیروی کمکی را .

ادامه دارد

داکتر اسد الله « حبیب »

www.said-afghani.org بازگشت به صفحه اصلی